

پیوست ۲

سادات عمادی و انتساب حسینی

با وجود آنکه همه نسب‌نامه‌ها و بیشتر سادات عمادی در این امر هم‌رأی‌اند که نسب میر عمادالدین از طریق قاسم الأشج به ابراهیم فرزند امام موسی کاظم (ع) می‌پیوندد، برخی از سادات عمادی مازندران خود را از نسل امام زین‌العابدین (ع) می‌دانند و با نسبت حسینی از خود یاد می‌کنند.^۱ پیش از هر چیز، باید توجه داشت که سادات موسوی نیز در نهایت یکی از شاخه‌های سادات حسینی (که خود - در کنار شاخه سادات حسنی - یکی از دو شاخه اصلی سادات علوی فاطمی به شمار می‌آید) هستند و نسل امام حسین (ع) نیز منحصراً از طریق امام سجاد (ع) منتقل شده، و بنابراین همگی سادات موسوی نیز از نسل امام زین‌العابدین (ع) به شمار می‌آیند. به همین دلیل است که از بسیاری از سادات موسوی در دوره‌های تاریخی گوناگون، با تعبیر حسینی موسوی یاد کرده‌اند.^۲ شاهد شایان توجه، نقش مُهر [آیت‌الله] سید محمد ثقة الاسلام ساروی (م ۱۳۴۲ ق) است که نسب خود را به خط خود ذکر کرده و در آن نسبش را با ۱۲ واسطه به میر عمادالدین و از او به ابراهیم مرتضی فرزند امام کاظم (ع) رسانده، و نقش مُهر وی چنین بوده است: «عبدہ الراجی محمد الحسینی الموسوی ثقة الاسلام».^۳ بنابراین، نباید نسبت حسینی سادات عمادی را به معنای این گرفت که آنان از سادات موسوی نیستند و به یکی از فرزندان امام زین‌العابدین (ع) - جز امام محمد باقر (ع) - نسب می‌برند.

اما این اشتها که سید عمادالدین از اعقاب امام زین‌العابدین (ع) است، چندان جدید نیست و دست کم از چهار صد سال پیش وجود داشته است. مؤلف تاریخ ایلچی نظام‌شاه (م ۹۷۲)، در ذیل عنوان «ذکر حکومت سادات هزارجریب» و در نقلی که پیداست ریشه‌ای افواهی دارد، می‌نویسد: «سید عماد ... از اولاد امجاد امام عالی‌نژاد امام علی زین‌العابدین - علیه السلام - بود».^۴ رابینو نیز می‌نویسد: «بلوک هزارجریب شامل دو قسمت عمده است: یکی چهار دانگه و دیگری دودانگه. می‌گویند هزارجریب

به فخر عمادالدوله پسر امام زین العابدین تعلق داشته. او پیش از خود املاکش را میان سه پسر خود که یکی از آنها از مادر دیگر بود تقسیم کرد. بنابراین به دو برادر تنی با هم چهارششم یا چهاردانگ و به نابرداری آنها دوششم یا دودانگ رسید.^۵ امروزه اهالی هزارجریب همین مطلب را در باب تقسیم هزارجریب به چهاردانگ و دودانگ - البته به صورتی صحیح تر از نوشته رابینو - درباره میر عمادالدین روایت می کنند.^۶ پیداست که نقل رابینو - که به گفته خود او مبتنی بر یک نقل قول محلی است - سخنی عامیانه است که در زمان دیدار او از مازندران و گرگان (بهار ۱۲۸۸ و پاییز ۱۲۸۹ ش) نقل می شده؛ و در این نقل محلی «میر عمادالدین» به اشتباه به «فخر عمادالدوله پسر امام زین العابدین» تبدیل شده است. آنچه این تصحیف و تحریف را تأیید می کند آن است که رابینو در ضمیمه اول کتاب خود، فهرستی از «دهات فخر عمادالدین» به دست می دهد،^۷ و در ادامه به وقفنامه ای به تاریخ ۹۸۹ ق اشاره می کند و نام برخی از «دهات ... ناحیه فخر عمادالدوله» را از آن نقل می کند.^۸ بنابراین، یک قول عامیانه نادرست که میر عماد را فرزند بلافضل امام زین العابدین (ع) می پنداشته، هم در زمان رابینو و شاید هم سال ها پیش از او (بنابر وقفنامه مورخ ۹۸۹)، در شرق مازندران و گرگان دهان به دهان می گشته است.

در پایان، به نکته ظریف دیگری نیز باید توجه داد: طبق شجره نامه ای که [حجة الاسلام] سید حسین بنافتی (م ۱۳۳۰ ش) برای خود (و همچنین سادات عمادی بلوک بنافت و کاورد و غیره) یاد می کند، جد نهم او (و دیگر سادات آن نواحی) نیز **میر عماد** نام دارد، و البته این **میر عماد** غیر از آن **میر عمادالدین** است که جداعلای سادات عمادی به شمار می رود. بنابر شجره نامه پیشگفته، سلسله نسب این **میر عماد** (= **میر عماد دوم**) تا **میر عمادالدین** (= **میر عماد اول**)؛ سرسلسله سادات عمادی) بدین قرار است: «**میر عماد بن میر عبدالصمد بن سید حسن بن سید عزالدین بن سید شاه رضی الدین بن سید زین العابدین بن سید رضی الدین بن سید عزالدین حسن بن سید عمادالدین محمود**».^۹ طبق این شجره نامه، نسب بنافتی با سیزده واسطه از طریق **میر عماد** (دوم) به **سید زین العابدین** (که فرزند **سید رضی الدین بن سید عزالدین بن میر عمادالدین** است) می پیوندد. از سوی دیگر، نقل شده که نسب [آیت الله] **سید اسماعیل عمادی حائری بارفروشی** (م ۱۳۵۰ ق / ۱۳۱۰ ش) با دوازده واسطه - از طریق **میر عماد** - به امام زین العابدین (ع) منتهی می شود.^{۱۰} پیداست که این گفته از نظر

تاریخی و فاصله زمانی ناممکن است. اما با توجه به اینکه عمادی حائری به یک نسل پیش از بنافتی تعلق دارد و نسب بنافتی با سیزده واسطه - از طریق میر عماد (دوم) - به سید زین العابدین می پیوندد، می توان حدس زد که نسب عمادی حائری نیز با دوازده واسطه - از طریق میر عماد (دوم) - به سید زین العابدین سابق الذکر منتهی می شود؛ و در این میان کسی این میر عماد دوم را همان میر عمادالدین هزارجریبی (سرسلسله سادات عمادی) پنداشته و سید زین العابدین مذکور را نیز امام زین العابدین (ع) فرض کرده است! اگر نسب نامه منقول بنافتی صحیح و حدس مذکور درست باشد، آن گاه باید گفت که نسب عمادی حائری با پانزده واسطه به میر عمادالدین هزارجریبی متصل می شود و از طریق میر عمادالدین به ابراهیم فرزند امام موسی کاظم (ع) می پیوندد.^{۱۱} در هر حال، همگی سادات عمادی معتقدند که نسبی مشترک دارند و جدا علای آنان میر عمادالدین است. در این نیز تردیدی نیست که نسب میر عمادالدین به ابراهیم فرزند امام موسی کاظم (ع) می پیوندد. اختلافاتی که در جزئیات شجره نامه های مختلف سادات عمادی هست، ناشی از اسقاطها، تصحیفها، خلط نامهای مشابه و مانند اینهاست.^{۱۲}

پی نوشتها

۱. سوای نمونه هایی که پس از این به آن اشاره خواهیم کرد، گروهی از سادات در قریه «علی آبادمیر» کجور مازندران هستند که به «سادات میر عماد» شهرت دارند و گویا اجدادشان از دوره صفویه ساکن آن روستا بوده اند. این سادات بر اساس نسب نامه ای که در اختیار دارند، خود را از سادات حسینی و از اعقاب حسین اصغر فرزند امام سجاد (ع) می دانند (نک: «گزیده ای از فهرستواره اسناد»، ص ۳۶۰). آیا این سادات نیز از نسل میر عمادالدین هزارجریبی اند و به اشتباه خود را به حسین اصغر منسوب می کنند، یا به میر عماد دیگری جز میر عمادالدین هزارجریبی نسب می برند؟
۲. برای نمونه هایی از کاربرد تعبیر حسینی موسوی برای محدثان و علما، نک: الرجال شیخ طوسی، ص ۴۱۹؛ الفهرست منتجب الدین رازی، ص ۲۵، ۵۶، ۱۲۳؛ منتقی الجمان حسن بن شهید ثانی، ج ۱، ص ۲۷ (که این تعبیر را درباره استاد خود «سید علی بن الحسین بن ابی الحسن الحسینی الموسوی» به کار می برد)؛ امل الآمل حر عاملی، ج ۱، ص ۵۶، ج ۲، ص ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۹۱، ۳۰۸. ما از میان شواهد بسیار تنها به ذکر نمونه هایی چند از کتاب هایی بسنده کردیم که نویسندگان آنها به ترتیب از علمای نامدار شیعی در قرون پنجم، ششم و یازدهم بوده اند.
۳. نک: نباء البشر، ج ۵، ص ۲۷۱.

۴. تاریخ ایلچی نظام‌شاه، ص ۲۴۸.
۵. مازندران و استراباد، ص ۹۶-۹۷.
۶. درباره‌ی روایت صحیح این نقل، در بخش ۲ همین مقاله سخن گفتیم.
۷. همان، ص ۱۹۴.
۸. همان، ص ۱۹۴-۱۹۵.
۹. نک: شجرة الامجاد، ص ۵۷، پانوش ۱.
۱۰. نک: بابل سرزمین طلای سبز، ص ۲۵۶؛ قس: آشنایی با فرزندانگان بابل، ص ۱۷۰. نقش مهر او نیز چنین بوده است: «اسمعیل ابن فضل الله الحسینی» (برای نقش مهر و امضای وی - پیش و پس از رواج نام خانوادگی در ایران -، نک: «چند نکته درباره‌ی نقش و نوع مهر»، ص ۲۱).
۱۱. مگر اینکه بگوییم نسب او با یازده واسطه به میر عمادالدین متصل می‌شود و چون نزد برخی میر عماد فرزند امام زین العابدین (ع) تصور می‌شده، این پندار پیش آمده که نسب وی با دوازده واسطه به امام زین العابدین (ع) می‌پیوندد. این احتمال البته ضعیف است.
۱۲. درباره‌ی وضعیت کلی نسب‌نامه‌های سادات عموماً و شجره‌نامه‌های سادات عمادی خصوصاً، نک: شجرة الامجاد، ص ۶۴-۶۶.

